



23 جنوری 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان

(بخش بیست و سوم)

لویه جرگه قانون اساسی 1382 (2004م)

از آنجائیکه قانون اساسی سال 1382 بعد از یک دوره طولانی و پر از نشیب و فرازهای زیاد و در عین زمان مصیبت بار که بیش از دو دهه کشور را بیک ویرانه تبدیل کرد و نظم و اداره قبلی را از هم پاشید و بی ثباتی و خودسری را جانشین آن ساخت و نیز از آنجائیکه پس از سقوط طالبان و تدویر کنفرانس بن در دسمبر 2001 شرایط طوری بار آمد که بازسازی همه جانبه در افغانستان به کمک ملل متحد و جامعه جهانی رویدست گرفته شد، بنا بر آن تسوید قانون اساسی جدید و تصویب آن از طرف لویه جرگه به شکل عنعنوی به حیث سرآغاز یک تحول مهم و تاریخی و یک گام بس مهم در حیات سیاسی و ملی کشور محسوب میشود. علاوه در ظرف مدت 14 سالیکه این قانون اساسی نافذ است، همان جر و بحث های متناقض که حین تصویب آن در لویه جرگه مطرح گردیده بود، هنوز هم بین جوانب مختلف مورد مناقشه و جدال قرار دارد. بخصوص در این دو سال اخیر عده ای خواهان دائر کردن لویه جرگه و تعدیل بعضی مواد قانون اساسی به ارتباط نظام سیاسی کشور از ریاستی به پارلمانی و نیز انتخابی شدن والی ها و سائر مسائل میباشند، لذا ایجاب میکند تا نگاهی وسیعتر و با ذکر جزئیات بیشتر به این مبحث انداخته شود تا از یکطرف موضوعات حاد و متنازع فیه آنوقت حین بحث مواد قانون اساسی روشن گردند و از طرف دیگر از تجارب حاصله آن برای لویه جرگه آینده که احتمالاً تا یکی دو سال آینده بر طبق موافقتنامه حکومت وحدت ملی دائر گردد، استفاده بعمل آید، حتی بهتر خواهد بود تا این مبحث با جزئیات بیشتر مورد بررسی قرار گیرد و به حیث در یک کتاب جداگانه به نشر برسد.

مقدمات تسوید و تدقیق قانون اساسی:

بر طبق موافقتنامه بن (احکام عمومی - بند 6) حکومت انتقالی الی 18 ماه از تاریخ آغاز کار، باید لویه جرگه را بمنظور تصویب قانونی اساسی جدید دائر نماید که بعد از تصویب آن الی شش ماه با تدویر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی دوره انتقالی پایان یابد و حکومت انتخابی جای آنرا بگیرد. برای اینکار لازم بود نخست یک کمیسیون تسوید قانون اساسی تشکیل گردد و متعاقباً کمیسیون تدقیق بر آن و در اخیر لویه جرگه برای تصویب آن دائر شود. همچنان لازم بود تا برای فراهم آوری امکانات عملی و تنظیم امور مربوطه یک دارالانشاء مخصوص ایجاد شود و جامعه بین المللی به رهبری ملل متحد و نماینده ذیصلاح آن با این دارالانشاء همکاری نموده و نیز هر قدم این پروسه را نظارت کند.

به تاسی از این مأمول در قدم اول حکومت انتقالی حامد کرزی به کمک ملل متحد (UNAMO و UNDP) بتاريخ 13 میزان 1381 (15 اکتوبر 2002) یک کمیسیون 9 نفری راتحت ریاست پوهاند

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دلپکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

نعمت الله شهرانی - معاون رئیس اداره انتقالی برای تهیه مسوده قانون اساسی تعیین کرد که در آن اشخاص ذیل شامل بودند: پوهاند عبدالسلام عظیمی، محمدموسی معروفی، سیدموسی اشعری، قاضی آصفه کاکر، قاضی مکرمه اکرمی، داکتر محمد رحیم شیرزوی، محمد سرور دانش و پوهاند داکتر محمد قاسم فاضلی.

وظیفه این کمیسیون تهیه مسوده به حیث مجموعه از طرح های پیشنهادی برای ترتیب قانون اساسی بود. البته گفته میشد که یکی از طرح های پیشنهادی قبلاً به کمک یکعده متخصصین خارجی (بخصوص پروفیسور بارنت روبین (Barnet Robin) از پوهنتون نیویارک و مشاور ارشد در امور افغانستان) و گروپ همکاران او و نیز با مراجعه به قوانین اساسی گذشته کشور آماده شده بود که کمیته بروی آن کار خود را آغاز کرد. (دیده شود - کرس جانس و دیگران: "انکشاف سیاسی و قانون اساسی افغانستان"، جنوری 2003 در 48 صفحه بزبان انگلیسی)

کمیسیون تسوید موفق شد تا مسوده قانون اساسی را در ظرف شش ماه تکمیل کند و آنرا به رئیس حکومت انتقالی بسپارد. سپس حامد کرزی رئیس حکومت انتقالی با صدور فرمان مورخ 6 ثور 1382 یک کمیسیون 35 نفری را بازم تحت ریاست پوهاند نعمت الله شهرانی و به معانیت پوهاند عبدالسلام عظیمی جهت تدقیق مسوده موظف ساخت. اشخاص ذیل بر علاوه اعضای فوق الذکر کمیسیون تسوید، شامل اعضای کمیسیون تدقیق بودند: داکتر عبدالحق افی، محمداشرف رسولی، عبدالحق واله، پوهاند عبدالعزیز، داکتر محمد طاهر بورگی، داکتر محمد یعقوب واحدی، وکیل شمس الدین، داکتر محمد علم اسحاقزی، قاضی محمد امین وقاد، انجنیر محمد اکرم، پوهنوال نادر شاه نیکیار، لیکراج، پروین مومند، محمدامین احمدی، میر محمد افضل میرگازرگاه، فاطمه گیلانی، پروین علی مجروح، شکریه بارکزی، صدیقه بلخی، پوهاند محمد هاشم کمالی، انجنیر معراج الدین، حاکمه مشعل، انجنیر محمد داؤد موسی، آمنه افضلی، داکتر محمد طاهر هاشمی، نادر علی مهداوی، محمد صدیق پتمن و عبدالحی خراسانی.

در عین زمان برای تدویر لویه جرگه یک دفتر مشترک تنظیم انتخابات (دارالانشاء) که مرکب از اعضای افغان و چند نماینده سازمان ملل متحد بود، تحت ریاست داکتر محمد فاروق وردک نیز از طرف حامد کرزی تعیین شد تا امور اجرائی لویه جرگه و انتخاب وکلاء را تنظیم و کنترل نماید. در اینجا باید خاطر نشان کرد که به منظور تدقیق بیشتر حقوق زنان یک کمیته اختصاصی زیر نظر محبوبه حقوقمل (وزیر دولت در امور زنان) متشکل از 20 خانم نیز مؤظف گردید تا مسوده قانون اساسی را مورد غور قرار دهد. این کمیته ضمن بعضی ابراز نظر ها پیشنهاد کرد که در مقدمه 12 فقره ای مسوده یک فقره دیگر به این عبارت علاوه گردد: «تضمین حقوق مساوی زنان و مردان و امحای تمام اشکال تبعیض و خشونت علیه زنان»؛ همچنان کمیته توصیه کرد دوفرز بن بهتر است بجای یکنفر در ولسی جرگه ازهر ولایت عضویت پیدا کند و به عین شکل در شوراهای ولایتی. از همه بیشتر دلچسب آنست که مسوده قانون اساسی افغانستان در یکی از جلسات استماعیه کانگرس ایالات متحده امریکا نیز به ارتباط حقوق زنان و آزادی مذهب مورد بحث قرار گرفت و نظریاتی در زمینه ابراز گردید. (درباره مباحثات جلسه استماعیه فوق: صدای امریکا، پروگرام خاص مورخ 21 نوامبر 2003)

در نظر بود که لویه جرگه قانون اساسی در ماه میزان دائر و تا 3 عقرب 1382 (اکتوبر 2003) ادامه یابد، ولی نظر به مشکلات متعدد تدویر آن به ماه قوس به تعویق افتاد. مسوده قانون اساسی نیز که باید دوماه قبل از لویه جرگه به مقصد نظریاتی به اطلاع عامه رسانیده میشد، بالاخره بتاريخ

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

13 عقرب (3 نوامبر) به نشر رسید که در 12 فصل و جمعاً 172 ماده بود. نا گفته نماند که دارالانشاء کمیسیون قانون اساسی یک رساله معلوماتی را برای آگاهی عامه از طرز کار کمیسیونها تسوید و تدقیق و نیز مراحل قدم بقدم اجرای طی مراحل قانون اساسی و لویه جرگه تحت عنوان "مواد ممد برای پروسه آگاهی عامه" در اواسط سال 1382 در 32 صفحه نشر کرد و در اختیار مردم قرار داد. اینکار در لویه جرگه های گذشته معمول نبود و ابتکار جدید محسوب میشود. گفته میشود که مبلغ تقریباً 20 ملیون دالر برای آگاه سازی مردم از طرف جامعه جهانی و ملل متحد اختصاص داده شد.

برای کمپاین آگاهی عامه تقسیم اوقات ذیل مطرح گردید: 6 ماه برای کمپاین تسوید، 2 ماه برای تدقیق، 2 ماه برای نظر خواهی از مردم، یک ماه برای توحید نظریات، یک ماه برای انتخاب نمایندگان که از ماه آگست شروع شد، یک ماه برای نمایندگان مردم که مسوده را ماده به ماده بخوانند.

چگونگی انتخاب نمایندگان در لویه جرگه:

رئیس حکومت انتقالی طی فرمان مورخ 22 سرطان 1381 (14 جولای 2003) طرز اجراءات و چگونگی انتخاب وکلای لویه جرگه راتعیین کرد که برطبق آن لویه جرگه دارای 500 عضو بود، به این ترتیب: 450 نفر عضو انتخابی که 15 فیصد نرا باید زنان تشکیل دهند؛ 50 نفر عضو انتصابی که از طرف رئیس حکومت انتقالی تعیین میگردید و نصف آن (25 نفر) باید زنان باشند.

برطبق فرمان فوق الذکر از جمله اعضای انتخابی باید به تعداد 344 نفر از بین پانزده هزار نمایندگان ولسوالیها که در جریان لویه جرگه اضطراری توسط مردم معرفی شده بودند، برطبق سهمیه هر ولسوالی از بین خود شان انتخاب و به حیث وکیل به لویه جرگه معرفی شوند، همچنان 24 نفر از بین مهاجرین افغان در ایران و پاکستان، 9 نفر از کوچیها و 6 نفر از بیجاشدگان داخلی که جمله 42 دو نفر می شدند، به عین روش انتخاب گردند که از مجموع وکلای انتخابی 15 فیصد آن زنان باشند. علاوه بر تعداد 62 زن از 23 ولایت کشور از طرف زنان برگزیده شوند تا در لویه جرگه از زنان ولایات نمایندگی کنند. تنها در مراکز شهرها که دارای نواحی مستقل اداری اند (شهرکابل، جلال آباد، هرات، بامیان، قندز، مزار شریف، قندهار و گردیز) وکلاء با رای گیری آزاد و مستقیم انتخاب شوند. برطبق همین فرمان کلیه اعضای حکومت اعم از اعضای کابینه، ستره محکمه، کمیسیونهای تسوید و تدقیق، والیها و اراکین اردو و پولیس میتوانستند به حیث ناظر در لویه جرگه اشتراک نمایند، ولی حق رای ندارند.

همچنان وزارت داخله مؤظف گردید تا قطعه خاصی را برای تأمین امنیت در لویه جرگه و امنیت انتخابات و انتقال نمایندگان تشکیل نماید و مسئولیت اینکار را بعهده گیرد. در عین زمان یک کمیته دیگر برای تنظیم امور اجرایی پروسه لویه جرگه مرکب از وزیر داخله، عدلیه، لوی خرنوال، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر و نماینده ملل متحد نیز تشکیل شد.

مختصری در باره جریانات داخلی لویه جرگه:

لویه جرگه قانون اساسی بروز یکشنبه تاریخ 25 قوس 1382 (14 دسمبر 2003) زیر خیمه بزرگ درساحه پولیتخنیک کابل آغاز یافت و برای مدت 22 روز متوالی ادامه پیدا کرد. لویه جرگه با بیانیه اعلیحضرت پادشاه سابق که در لویه جرگه اضطراری رسماً به بابای ملت ملقب شده بود، به

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

ساعت 11:30 قبل از ظهر امروز رسماً افتتاح گردید. ایشان در بیانیه خود ضمن ابراز حمایت از حامد کرزی، خطاب به نمایندگان لویه جرگه گفتند: «ممکن است در پیش نویس قانون اساسی به مواردی برخورد کنید که با خواسته های شما متناسب نباشد، سعی کنید خواست مردم و منافع کشور را برخواست خود ترجیح دهید»؛ اعلیحضرت بعد از ختم بیانیه خود سید احمد گیلانی را به حیث رئیس مؤقت لویه جرگه معرفی کرد. سپس حامد کرزی رئیس حکومت انتقالی بیانیه خود را ایراد نمود و درست آوردهای دوسال گذشته را با ذکر تحولات در ساحات مختلف موفقیت آمیز دانست و نیز از بعضی نارسائی ها یاد آور شد. در اینجا قسمت اول برنامه در آن روز پایان یافت و در قسمت دوم که بساعت 3:00 بجه بعد از ظهر دائر شد، نخست در باره طرز العمل و چگونگی کار لویه جرگه که توسط فرمان تقنینی حامد کرزی مشخص شده بود، بحث صورت گرفت. عده ای از وکلاء ادعا داشتند که تصویب طرز العمل از صلاحیت لویه جرگه است، ولی پس از مباحثه آنها قبول کردند که چون کرزی از طرف لویه جرگه اضطراری به این مقام برگزیده شده است، لذا صلاحیت صدور فرمان و تعیین طرز العمل را دارا میباشد.

سپس انتخاب رئیس دائمی جرگه مطرح گردید که برای آن مقام، چهار عضو جرگه خود را کاندید کرده بودند، هر یک: عبدالحفیظ منصور، حضرت صبغت الله مجددی، داکتر عبدالکبیر رنجبر و عزیزالله واصفی. در نتیجه رأی گیری حضرت صبغت الله مجددی با اخذ اکثریت آراء (52 فیصد) به حیث رئیس لویه جرگه انتخاب گردید.

در روز دوم - دوشنبه مورخ 26 قوس (15 دسمبر) موضوع انتخاب معاونین و منشی های در اجندا قرار داشت. برای سه مقام معاونیت جرگه 16 نفر کاندید شدند که از جمله میرویس یاسینی به حیث معاون اول، داکتر اعظم دادفر معاون دوم و مولوی قیام الدین کشاف معاون سوم به اکثریت آراء مجلس انتخاب شدند. از آنجائیکه هیچیک از چهار نفر زنان کاندید در مقام فوق نتوانستند رأی اکثریت را بدست آورند، لذا در اثر اصرار یکی از وکلای زن مبنی بر اینکه یک معاون باید زن باشد، صفیه صدیقی که در بین زنان بیشترین آراء را گرفته بود، به حیث معاون چهارم لویه جرگه تعیین گردید. جمله مجاهد و فاطمه فاطمی، بعد از آنکه ثریا پرلیکا به نفع آنها از حق خود گذشت، به حیث دومنشی و عبدالحق شفق به حیث منشی سوم مجلس انتخاب شدند. در این موقع حضرت صبغت الله مجددی رئیس لویه جرگه صفیه صدیقی (معاون چهارم جرگه) را به حیث سخنگوی جرگه تعیین کرد.

طی همین اجلاس وکلاء موضوعات مختلف را مطرح کردند از جمله مسائل مربوط به نوع نظام که ریاستی باشد یا پارلمانی و نیز برخی دیگر از مشکلات محلی خویش سخن گفتند که یک نوع بی نظمی در طرح مسائل رخ داد. داکتر اشرف غنی (وزیر مالیه) پیشنهاد کرد که برای رسیدگی به مسائل محلی وکلای هر ولایت در ختم لویه جرگه میتوانند با رئیس حکومت انتقالی صحبت نمایند و مشکلات محلی خویش را با وی در میان بگذارند و نیز هر یک از وزراء حاضر است در ختم لویه جرگه راپور کارکردهای خویش را به وکلاء تقدیم دارد.

در روز سوم - سه شنبه مورخ 27 قوس (16 دسمبر) که مصادف با افتتاح شاهراه کابل - قندهار بود، مجلی با غیابت 64 نماینده بساعت 8 صبح آغاز گردید و بحث ها بار دیگر به بطور پراکنده اینطرف و آنطرف بالا شد، اما رئیس لویه جرگه از وکلاء خواست تا به اصل موضوع یعنی قانون اساسی متمرکز شوند. در این ارتباط باز هم جنجال دیگر به وجود آمد که آیا بحث فقط در مورد مسوده باشد و یا اینکه نظریات میتواند ماورای مسوده ابراز گردد؟ از آنجائیکه در مسوده نظام ریاستی

د پانو شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

مطرح گردیده بود، بعضی میخواستند که در پهلوی متن مسوده، موضوع نظام پارلمانی را نیز زیر بحث ببرند، لذا اصرار داشتند تا بحث از محدوده مندرجات مسوده فراتر برود.

در اینجا باید گفت که رئیس حکومت انتقالی و حامیان آن از نظام ریاستی که رئیس جمهور در عین زمان رئیس حکومت نیز باشد، حمایت میکردند، در حالیکه گروه مخالف اصرار داشتند که رئیس جمهور در راس سه قوه قرار داشته و قوه اجرائیه یعنی حکومت توسط صدراعظم که باید از طریق اکثریت پارلمانی تبارز کند، تمثیل گردد. این موضوع اعضای جرگه را بدو گروه تقسیم کرد که در نهایت یک نوع تقسیم قومی و زبانی در آن محسوس و مشهود بود. جر و بحث های روز سوم چنان شدید و متشنج بود که یک عده وکلاء را سخت متأثر ساخت.

موضوع دومی بحث درباره طرز العمل پیشنهادی حکومت در ارتباط با مسوده مطروحه بود. نمایندگان بعد از جنجال زیاد قبول کردند که مسوده پیشنهادی حکومت را اساس کار قرار دهند. اینکه چگونه روی مواد مسوده بحث صورت گیرد، دو نظر وجود داشت: یکی بحث روی هر ماده در اجلاس عمومی لویه جرگه و دیگر اینکه نخست موضوع درگروههای کوچکتر 50 نفری بحث و توافق بعمل آید و بعداً آنچه مورد مناقشه باشد، در اجلاس عمومی برای بحث رویت داده شود. توافق بر آن شد تا وکلاء به ده گروه تقسیم شوند و هرگروه مسوده را مورد غور قرار دهد و آنچه مورد اختلاف آنها باشد، همه بیک کمیته یازدهم که متشکل از رؤسای کمیته ها بود، گسیل یابد. هرآنچه که در کمیته رؤسا مورد موافقت قرار نگیرد، باید به مجلس عمومی مطرح شود. خلاصه با تشکیل کمیته های ده گانه موافقه صورت گرفت و مجلس همان روز به پایان رسید.

در روز چهارم - چهارشنبه مورخ 28 قوس (17 دسمبر) یکی از جنجالی ترین روزها بود که نخست با خودداری بعضی از اعضای حزب جمعیت جهت اشتراک در کمیته های ده گانه آغاز شد و جر و بحث های جدی پیرامون نحوه تشکیل کمیته ها و تعیین رؤسای آن بلند گردید که در نتیجه اشخاص ذیل در راس هر یک از کمیته ها قرار گرفتند: 1 - برهان الدین ربانی؛ 2 - عبدالرب رسول سیاف؛ 3 - احمد نبی محمدی؛ 4 - شیخ آصف محسنی؛ 5 - مولوی گل احمد؛ 6 - مولوی سیدمحمد حنیف؛ 7 - داکتر مشاهد؛ 8 - حشمت غنی احمدزی؛ 9 - محمد طاهر و 10 - احمد فرید. (بعداً احمد نبی محمدی ریاست کمیته خود را به خانم یاری سپرد، چون در راس کمیته ها هیچیک از خانمها برگزیده نشده بودند)

کمیته یازدهم متشکل از رؤسای هر ده کمیته بود که هر عضو کمیته های فرعی نظریات یادداشت شده ای خویش را بخت به رئیس کمیته فرعی داده و رئیس آن کمیته نظریات را به کمیته یازدهم (مسمی به کمیته تفاهم) برده و کمیته تفاهم موضوعات مورد اختلاف کمیته های فرعی را جمع بندی نموده آنها را به دارالانشای مجلس عمومی لویه جرگه رویت داده و دارالانشاء باید آنها را در مجلس عمومی مطرح سازد.

در همین روز مباحثات پیرامون مسوده و جنجال بر سر نظام سیاسی بار دیگر بین اعضا اوج گرفت که مبدل به صحبت های جدی و پر از شدت لحن گردید. این وضع یک عده وکلاء را ناراحت ساخت و مجلس دچار بی نظمی شد، تا آنکه خانم مستوره ستانکزی وکیل منتخب مهاجرین افغان در ایران به پاخاست و با تضرع وکلاء را مخاطب قرار داد و به پشتو چنین گفت: «ما اگر زن هم هستیم، اینقدر احساس داریم؛ شما میخواهید خون بیشتر بریزید و من با این سرسفيد مهاجر باقی بمانم. چه میخواهید؟ به لحاظ خدا به لحاظ قرآن تمام دنیا متوجه ما استند، مسئولیت این همه بیوه ویتیم در

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

اردوگاه های مهاجرین بدوش شما است، اینجا هیچ رقابتی جز رقابت شخصی، رقابت برای مقام و ترس از اینکه در دولت مرکزی آینده به ما مقام و چوکی ندهند، دیگر چیزی وجود ندارد. لعنت به این چوکی و مقام! به خدا چطور جواب خواهید داد به این جرگه چطور جواب خواهید گفت؟ ارزش این جرگه را بدانید!» (برگرفته از کست مستند منتشره بی بی سی)

چند لحظه بعد یک خانم جوان 25 ساله وکیل منتخب ولایت فراه بنام ملالی جویا پشت میکروفون رفت و با احساسات طغیان آمیز و صدای پرطنین گفت: «آنهائیکه لویه جرگه را نهاد کفرآلود و معادل فحاشی میخوانند، اینجا می آیند و گپ او مورد قبول واقع میشود و یا کمیته ها را شما ببینید بین مردم چه زرمه میشود، رئیس هر کمیته همه پیش از پیش تعیین شده است چرا همه جنایتکارها را در یک کمیته نمی برید، در آنجا ببینیم که باز ملت را آنها به چه حالت میرسانند» (غریو و هممه حضار توام با کف زدن و عصبیت ها بطور مخلوط)؛ ملالی جویا به گفتار خود ادامه داد: «اینها کسانی بودند که کشور ما را محراق جنگهای ملی و بین المللی ساختند، زن ستیزترین بودند که جامعه ما را به این حالت رسانیدند باز میخواهند...آموده را باز آزمودن خطاست. به نظر من اینها باید محاکمه بین المللی و ملی شوند، اینها را اگر مردم ببخشند، مردم پا برهنه افغان هرگز نمی بخشد؛ اینها ثبت تاریخ کشور ما استند.» (برگرفته از کست مستند ویدیویی مجلس)

هنوز سخنان ملالی جویا پایان نیافته بود که وضع برهم برخورد، خشم یکعهده با ستایش عده دیگر چنان در فضا پیچید که هیچیک حرف دیگر رانمی شنید. هیئت رئیسه مجلس هرچه و کلاه را به آرامش و نشستن به جاها توصیه کردند، اثر نیکشید. رئیس مجلس ملالی جویا را مخاطب قرار داده گفت: «همشیره ما تاحال گفتیم سخنی که زده میشود، همه در چوکات ادب و اخلاق باشد. به کسی تعرض نشود و اگر شکایتی باشد، نوشته کنید به منشی ها منشی ها آنرا بیاورند، باز ما با زخواست میکنیم؛ اما این سخنان تشنج مجلس را تقلیل نداد. مجددی در ادامه گفت: «خیراست اگر یک همشیره چند سخنی گفت، تحمل کنید!»؛ وضع روبه وخامت رفت و همه از جاهای خود بلند شدند و صداها اوج گرفت، مجددی با عصبیت تمام داد زد: «برادرها به جای تان بنشینید! این وظیفه ما است؛» صفیه صدیقی معاون جرگه فریاد کرد: «متوجه باشید که این در تمام دنیا پخش میشود» در همین اثنا صدای مجددی شنیده شد که ملالی را کافر کمونیست و تحریک شده خواند و در ادامه گفت: «همشیره عجب کاری کردی، همه را به تور آوردی، همینطور یک سخن کس میزند که به همه بر بخورد و همه متأثر شوند. بسیار غلط کردی!» در اینجا چون احتمال حمله بر ملالی جویا متصور بود، قوای امنیتی در داخل خیمه حضور داشت و رئیس مجلس امر اخراج ملالی جویا را صادر کرد. ولی ملالی مقاومت کرد و از جایش برنخواست.

در این موقع عبدالرب رسول سیاف رئیس تنظیم اتحاد اسلامی بپا خاست و نخست همه را به آرامش و سکوت دعوت کرد و بعد به اجازه رئیس مجلس ده دقیقه صحبت کرد. او ضمن سخنرانی خود گفت: «برادرها! ما در اینجا برای یک هدف مقدس جمع شده ایم.... باید صحبت های ما و شما در فضای برادری، دوستی و صمیمیت و در یک فضای آرام باشد. من یقین دارم که ممکن است یک تعداد مردم بخواهند که این مجلس ناکام شود، ناکامی این مجلس ناکامی کل ملت است....»

او بعد از ذکر خدمات مجاهدین هنگام استیلای شوروی گفت: «همین مجاهدین که دوملیون شهید دادند در راه آزادی ملک همین قدر سینه فراخ داشتند، همین قدر همت داشتند که وقتی پس آمدند یک تن از مزدوران روس را در اینجا بدار نیاویختند...» [و اما مردم بیچاره و بیگناه را چطور؟ - کاظم]

بهرصورت بیابنه استاد سیاف مجلس را نسبتاً آرام ساخت و یک‌عده مردان وزنان به شفاعت ملالی جویا نزد مجددی رفتند؛ مجددی اعلام کرد: «برادرها و همشیره‌ها! این بار او معاف شد از کشیدن و اگر یک کلمه دیگر برخلاف مصلحت [؟؟] ویا اعتراض برسر اشخاص بزند، البته خواهد دید که چه خواهد شد. کسانی که او را تحریک کرده اند، همه میدانند که کی او را تحریک کرده و اینها باید اینقدر عقل می داشتند که باید به سخنان اینها وقعی نمیگذاشتند.» (عیناً برگرفته از کست ویدیویی مجلس)

این بود گزارش روز چهارم لویه جرگه و رویداد تاریخی که هیچگاه درکشور ما نظیر نداشت. عکس العمل در درون و بیرون مجلس و همچنان در داخل و خارج کشور بسیار بود، ولی اکثریت از ملالی جویا حمایت کردند و جرأت این دختر جوان افغان را در همچو موقع که هیچکس شهامت بیان حقایق را نداشت، ستودند و حتی برای حفظ جان او که مورد تهمت قرار گرفته بود، قوای ایساف مجبور به اقدام گردید.

این رویداد نمونه بارز یک جامعه ای است که در نهاد شدیداً محافظه کار و عنعنه گرا، ولی در ظاهر میخواید مشق تجدد و دموکراسی کند، در غیر آن هرگاه بجای ملالی جویا یک مرد مقتدر این سخنان را میگفت، آیا حضار و رئیس مجلس با همان شیوه تحقیر آمیز با او رفتار میکردند؟ آیا اتهام کفر و یا کمونیست بودن از طرف رئیس مجلس به ملالی جویا، به مراتب شدیدتر از مطالبی نبود که ملالی بدون گرفتن نام مشخص بطور عام جنایتکاران را مخاطب قرار داد؟ آیا این دختر جوان اگر کمونیست بود ویا نبود، حرف غلط و نادرست گفته بود که باید مثل یک بچه مکتب مورد سرزنش قرار میگرفت؟ آیا رئیس مجلس با رعایت احترام به حقوق مردم، حق اخراج یک وکیل رسمی و منتخب مردم را از یک مجلس ملی داشت و آیا در چهار چوب مسئولیت پارلمانی، هر وکیل حق ابراز نظر آزاد را ندارد؟ اینها همه سوالاتی بودند که مردم در همه جا از خود میپرسیدند و هیچکس نبود که به آن سوالها پاسخ گوید.

اسمعیل خان والی آنوقت هرات که در لویه جرگه حضور نداشت، در یک مصاحبه با سعید حقیقی گزارشگر بی بی سی در مورد اظهارات ملالی جویا چنین عکس العمل نشان داد و گفت: «در جریان جرگه قانون اساسی واقعاً بی ادبی یک دختر روح تمام ملت مسلمان و مجاهدین ما را جریحه دار ساخت. وقتیکه انسان متوجه میشود که در این کشور با داشتن یک نظام اسلامی و با پیروز شدن یک انقلاب اسلامی [؟؟] و با موجودیت علماء و شخصیت های بزرگ دینی و کابینه یک کشور مسلمان می بینیم که یک زن ایستاده میشود، به علمای دینی و به مجاهدین و رهبران انقلاب اسلامی توهین میکند، پس شما قضاوت کنید که انقلاب شما چه بهای بزرگی داشته و اگر این انقلاب صورت نمیگرفت، چه میشد؟ اگر همچو انسانهای نا آگاه و نادان و جاهلی که به علم و جهاد و مقدسات توهین می کنند، توهین بیک شخصیت جهادی، درحالی که شما همه رهبران جهادی خود را می شناسید، همه رهبران جهادی شما مفسرین قرآن اند، همه رهبران جهادی شما پروفیسورهای علوم دینی اند.» (برگرفته از کست مربوطه، پروگرام شامگاهی بی بی سی، مورخ 19 دسمبر)

اسمعیل خان در گفتار خود چند بار از انقلاب اسلامی یاد کرد، ولی نگفت: کدام انقلاب اسلامی؟ او با این لحن که "یک زن ایستاده میشود و به علمای دینی و مجاهدین و رهبران انقلاب اسلامی توهین میکند"، از یکطرف به مقام زن بطور کل اهانت کرد و از طرف دیگر مردان مجاهد و... را در اوج افتخار چنان بالا برد که نباید هیچگاه بر آنها، آنهم بوسیله یک زن!! انتقاد بعمل آید. مگر اسمعیل خان حوادث مصیبت بار بعد از سالهای 1992 را فراموش کرده بود؟

سه روز بعد یعنی بتاريخ 20 دسمبر در رابطه با رویداد فوق مظاهرات زنان در مرکز ولایت فراه به حمایت از ملالی جویا براه افتاد که توأم با شعار های ضد کسانی بود که ملالی جویا را زیر فشار قرار دادند و حتی تهدید به مرگ کردند. جریان این مظاهرات بازهم از طریق رادیو بی بی سی به نشر رسید. در اینجا بیمورد نخواهد که درباره سرنوشت ملالی جویا که بکجا کشید، مختصری یادآوری کرد: او بعداً به حیث نماینده ولایت فراه به وکالت ولسی جرگه انتخاب شد و هنوز مدتی از کارش در آن جرگه نگذشته بود، که بار دیگر شدت کلامش آنقدر بالا گرفت که حتی آن جرگه را "طویل" خطاب کرد. اینکار موجب برکناری او از وکالت ولسی جرگه شد و سرنوشت او را از وطن دور نمود و به دیار مهاجران و پناهندگان کشانید. مدتی ملالی جویا در دیار هجرت گل سر سبد علاقمندان شد و از شهری به شهری و از کشوری به کشوری رفت و از طرف کسانی برای سخنرانی در محافل دعوت گردید که از انتقاد های او برضد ملاها و آخوندها بهره می جستند، تا آنکه آتش اشتیاق شنیدن سخنان او تدریجاً فروکش کرد و از مدتیست که کمتر آوازی از او برخاسته است.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ